

The Review of Iran's Tendency towards Russia Based on Balancing and Bandwagoning Strategies

Elham Rasooli Saniabadi¹

Associate Professor of International Relations, Faculty of Law and Political
Science, Yazd University

(Date received: 3 September 2022- Date approved: 3 January 2023)

Abstract

Introduction: How to interact with Russia as one of the great and influential powers of the international system has always been one of the important issues of Iran's foreign policy, which has various political, security and economic aspects. In this way, as much as the West and the United States became the "other" in the form of enemy in Iran's foreign policy, the policy of looking to the East and being close to states like China and Russia became more prominent in the form of East-oriented friendship patterns and regional friendship patterns. In general, Iran's relations with Russia can be analyzed at three levels of analysis: "bilateral relations", "regional relations" and "international relations". In this regard, the main aim of this research is to deal with the main reason of Iran's tendency towards Russia from the perspective of a theoretical narrative.

Research Question: The main question of this research is that which of the theories of alliance and coalition in international relations literature can better explain why Iran is tending towards Russia?

Research Hypothesis: In this research, our assumption is that among the various theoretical narratives of alliance and coalition between states, neorealist narratives such as the theory of "Balance of Threat" or "Bandwagoning Policy" provide a better perspective of Iran-Russia relations. Because due to the lack of economic interdependence between Iran and Russia, as well as the lack of a common identity between them, the "economic interdependence theory" or "identity-oriented theories" cannot correctly explain the tendency of Iran to be closer to Russia.

Methodology (and theoretical framework if there are): In terms of method, this research is based on a case study in a theoretical framework (adaptation

1. E-mail: rasooli@yazd.ac.ir

of the theory to the case) as one of the qualitative research methods. The method of collecting data is document study and use of virtual resources.

Results and Discussion: To answer the main question of this research in the first part of this research, we will discuss the nature of relations between Iran and Russia and the indicators of cooperation between them. In this topic, we will understand that according to Russian national security documents, Iran is only an important partner of Russia in some areas and regional issues. But on the other hand, Iran wants a strong alliance with Russia beyond a regional cooperation. In this regard, this claim can be proved by mentioning some cases at the level of "speech acts" and also "practical actions" of Iran's officials.

In the second section, we examine Iran's policy towards Russia in the form of creating a balance of threats, a balance against the common threats of the United States for both states. Based on this assumption, Iran, as a security-seeking actor who has an understanding of the threat from the united states, tends to form a security alliance with Russia in order to contain its threat. Therefore, common identity factors have no role in the tendency to unite with Russia. According to this assumption, Iran is only looking for security ties with Russia, and economic ties and making profits have no place or are not the first priority in Iran's policy of proximity.

In the fourth section, we will examine the orientation of Iran towards Russia in the form of " Bandwagoning Policy". According to this theory, the main reason for Iran's tendency to unite with Russia is not to contain the threat of the unites states and maintain security, but the main reason is to increase the country's power and development, in fact, the union with Russia is an opportunity to gain benefits and results. According to this theory, Iran as a rebellious revisionist state with unlimited aims that has limited resources and ability to change the order (revolutionary change), with the Russia as a revisionist state with limited goals that has the necessary resources and ability to change the status quo (gradual change) is accompanied in order to benefit from the capabilities of this state in changing the existing situation and to have a share in the victory. So, in adopting a follow-up policy, two factors are very important: The amount of state power that is followed, the amount of benefits that can be obtained from the following policy, and according to the variables of Russia's power, Iran can gain political, security and economic benefits from following that policy.

The research findings show that in the "Balance of Threat" theory factors such as containing the threatening states, the importance of the US threat as a common threat to both states, considering Iran as a security actor, considering the alliance as a security alliance against a common threat, the

elites' perception of the threat factor and the aggressive intentions of the threatening state are very important. In contrast in the " Bandwagoning Policy" theory factors such as gaining profits, the unimportance of the common threat of the US, considering Iran as an opportunistic and profit-seeking actor, considering the alliance as an extended alliance for profit, the importance of Russia's power compared to Iran, the importance of the perceptions of the elites and their calculation from profits and losses that results of the " Bandwagoning Policy" are very important.

Conclusion: Finally, we conclude that both narratives can be useful, although in each of these two theoretical perspectives, the "causes, motivations and results" of Iran's policy towards Russia are interpreted quite differently from each other. On the other hand, in the second theoretical narrative, we should distinguish between Walt's and Schweller's narratives about "Bandwagoning Policy". Because Schweller's narrative is a suitable narrative for explaining Iran's policy towards Russia.

Keywords: Balance of Threat, Bandwagoning, Iran, Russia, Schweller, Walt.

بررسی چرایش گرایش جمهوری اسلامی ایران به روسيه بر اساس راهبردهای موازن‌سازی و دنباله‌روی

الهام رسولی ثانی آبادی^۱

دانشیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد
بهمن ۱۴۰۱/۰۶/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

چکیده

چگونگی تعامل با روسيه به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ و تأثیرگذار نظام بین‌الملل همیشه یکی از موضوع‌های مهم سیاست خارجی ایران از بعد از انقلاب بوده است. به موازات تبدیل شدن غرب و بهویژه آمریکا به «دیگری» غیرقابل اعتماد در سیاست خارجی ایران، گرایش این کشور به روسيه، به عنوان «دیگری» قابل اعتماد بیشتر شده است. هدف اصلی در این پژوهش بررسی چرایی چنین گرایشی از دیدگاه نظری است. پرسش اصلی این نوشتار این است که کدام یک از نظریه‌های اتحاد و ائتلاف در ادبیات روابط بین‌الملل، قدرت تبیین مناسب‌تری برای بررسی گرایش جمهوری اسلامی ایران به روسيه دارند؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح می‌شود که از میان روایت‌های مختلف نظری اتحاد و ائتلاف دولتها با یکدیگر، روایت‌های نظری نوواقع گرایانه از جمله نظریه «موازنۀ تهدید» یا «سیاست دنباله‌روی»، تحلیل دقیق‌تری از چشم‌انداز روابط دو کشور ارائه می‌دهند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در هر یک از این دو روایت نظری «علل، انگیزه و نتایج» سیاست گرایش ایران به دولت روسيه به طور کامل متفاوت از یکدیگر در نظر گرفته می‌شود. از سویی، در روایت نظری «سیاست دنباله‌روی» باید روایت والتی و شویلری را جدا کرد و روایت شویلر را روایت مناسبی برای تبیین سیاست ایران به روسيه در نظر گرفت. این پژوهش از نظر روش، مبتنی بر بررسی موردی در یک چارچوب نظری (سازگاری نظریه با مورد) به عنوان یکی از روش‌های پژوهش کیفی است. روش گردآوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای، مطالعه اسنادی و استفاده از منابع مجازی است.

واژگان اصلی: ایران، دنباله‌روی، روسيه، شویلر، موازنۀ تهدید، والت.

مقدمه

پس از انقلاب اسلامی در ایران که به تغییر هویتی این کشور و در پی آن بازتعریف متحдан این کشور در عرصه بیرونی منجر شد، عناصر معنایی شکل‌دهنده به هویت جدید این کشور به عنوان کشوری انقلابی و اسلامی، نقش مهمی در شکل‌دهی به تعریف منافع ملی و سیاست خارجی آن داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین این عناصر تکوینی، انگاره «نفوی سلطه بیگانگان» است که به سیاست خارجی «عدم تعهد» و نبود واستگی به مراکز قدرت جهانی شرق و غرب، برای جمهوری اسلامی ایران، در دوره پیش از فروپاشی اتحاد شوروی منجر شده بود. با فروپاشی اتحاد شوروی شعار «نه شرقی، نه غربی» معنای خود را از دست داد و با تفسیری جدید و در قالب نفوی واستگی به آمریکا و غرب رویه رو شد. بدین ترتیب، به همان اندازه که غرب و آمریکا به «دیگری» دشمن در سیاست خارجی ایران تبدیل شدند، سیاست نگاه به شرق و نزدیکی به دولت‌هایی چون چین و روسیه در قالب الگوهای دوستی شرق محور و الگوهای دوستی منطقه‌ای در سیاست خارجی ما بر جسته‌تر شد. این نگاه به شرق و به‌ویژه دولت روسیه، در کابینه سیزدهم از تفسیر رادیکال‌تری برخوردار شده است و دولت ایران را به داشتن روابطی پایدارتر و همه‌جانبه با همسایه شمالی خود پیش رانده است. ابراهیم رئیسی در هفتاد و ششمین جلسهٔ مجمع عمومی سازمان ملل، الگوی امنیت‌سازی جمهوری اسلامی ایران را مبتنی بر شکل‌دهی به سازوکارهای درون‌منطقه‌ای با محوریت دیپلماسی و بدون مداخله خارجی خوانده است (Raisi, 2022).

به طور کلی، روابط ایران با روسیه در سه سطح «دوجانبه»، «منطقه‌ای» و «سطح کلان نظام بین‌الملل» قابل بررسی است. زیرا نگاه به روسیه به عنوان همسایه قدرتمند شمالی و نزدیکی به این کشور همواره یکی از دال‌های ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بعد از انقلاب اسلامی بوده است؛ اگرچه در دوره‌های مختلف سیاست خارجی بسته به گفتمان حاکم و غالب در دستگاه سیاست خارجی (گفتمان غرب‌گرا یا شرق‌گرا) از این دال مرکزی تفسیرهای گشاده یا بسته‌ای شده است. به این معنا که در برخی از دوره‌ها سیاست خارجی، پیوند با روسیه دارای اهمیت و بر جستگی بیشتری در اقدام‌های عملی و کنش‌های گفتاری مقام‌های اجرایی و نخبگان تصمیم‌گیرنده شده است و در برخی از دوره‌ها این اهمیت و ضرورت به موازات نگاه به غرب، کمتر شده است.

هدف اصلی ما در این پژوهش پرداختن به چراجی نزدیکی و گرایش ایران به روسیه پس از انقلاب اسلامی در این کشور تا کنون، از دیدگاه روایتی نظری است. در پاسخ به پرسش پژوهش که کدام یک از نظریه‌های اتحاد و ائتلاف در روابط بین‌الملل بهتر می‌تواند علت اصلی گرایش ایران به روسیه را تبیین کند؟ این فرضیه مطرح می‌شود که در میان روایت‌های نظری مختلف اتحاد و ائتلاف دولت‌ها، نظریه‌های واستگی متقابل اقتصادی، نظریه‌های هویت‌محور

و نظریه‌های نوواقع گرایانه، نظریه‌های دسته سوم از جمله نظریه «موازنۀ تهدید» یا «سیاست دنباله‌روی» چشم‌انداز بهتری از روابط ایران و روسیه ارائه می‌دهند. زیرا بنابر نظریه وابستگی متقابل اقتصادی که اساس اتحاد میان دولت‌ها را منافع مشترک و درهم‌تینده اقتصادی در نظر می‌گیرد (نظریه کوهن و نای)، با توجه به غالب‌بودن مؤلفه‌های اقتصادی در روابط میان ایران و روسیه، نمی‌توان از این دیدگاه نظری به ماهیت این روابط پرداخت.

دیدگاه‌های هویت‌محور نیز که هویت مشترک و مبانی بیناذهنی مشترک را عامل اصلی نزدیکی و گرایش کشورها به یکدیگر می‌دانند، مانند آنچه در کشورهای اتحادیه اروپا شاهدش هستیم نیز نمی‌توانند به درستی، ماهیت روابط ایران و روسیه را تبیین کنند، زیرا این دو کشور با دو نژاد متفاوت یکی از نژاد اسلام و دیگری از نژاد غیراسلام و همچنین هویت مشترک به یکدیگر مذهبی و نداشتن پیشینه مشترک تاریخی، نمی‌توانند بر اساس هویت مشترک به یکدیگر گرایش داشته باشند. بنابراین فرضیه این نوشتار این است که دو روایت نظری «موازنۀ تهدید» و «سیاست دنباله‌روی» که هر دو از روایت‌های نظری اتحاد و ائتلاف ادبیات نوواقع گرایانه هستند، تبیین مناسب‌تری برای سیاست نزدیکی ایران به روسیه فراهم می‌کنند. این نوشتار از نظر روش در شمار پژوهش‌های سازگاری نظریه با مورد مطالعاتی ویژه، به عنوان یکی از روش‌های کیفی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. از نظر سازماندهی در این نوشتار ابتدا به ماهیت روابط ایران و روسیه و شاخص‌های همکاری این دو کشور با یکدیگر می‌پردازیم. سپس در دو بحث نظری جدا گرایش ایران به روسیه را ابتدا از دیدگاه راهبردی «موازنۀ تهدید والت» و سپس دیدگاه راهبردی «سیاست دنباله‌روی شویلری» بررسی و تحلیل و در نتیجه‌گیری نیز یافته‌های نوشتار را بیان می‌کنیم.

پیشینه پژوهش

مروری بر ادبیات موجود در ارتباط با روابط ایران و روسیه نشان می‌دهد که این روابط از دیدگاه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین و جدیدترین این آثار اشاره می‌کنیم. رسولی ثانی‌آبادی و ابراهیمی (۱۳۹۹) در مقاله «چگونگی بازنمایی دیگری در اسناد امنیت ملی روسیه با تأکید بر جایگاه ایران» با بررسی اسناد امنیت ملی روسیه در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ به شیوه چگونگی بازنمایی ایران در اسناد سیاست خارجی روسیه می‌پردازند. آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که بنابر این اسناد، روسیه دیگر کشورهای جهان را به شش وضعیت مختلف متعدد، شریک راهبردی، شریک اقتصادی، همکار مهم، کشورهایی با وضعیت دوگانه و دشمن تعریف می‌کند. در این میان، ایران برای این کشور تنها به عنوان یک همکار مهم آن هم در برخی از حوزه‌ها و نه به عنوان متعدد یا یک شریک راهبردی بازنمایی می‌شود.

نوری (۱۴۰۰) در مقاله «ماهیت تجدیدنظر طلبی روسیه و چین، سیاست و منافع ایران» از دیدگاهی متفاوت به منافع و رویکرد ایران با توجه به نوع و ماهیت سیاست تجدیدنظر طلبانه چین و روسیه در نظام بین‌الملل می‌پردازد. او می‌گوید ماهیت تجدیدنظر طلبی ایران با روسیه و چین مشابه نیست. به همین دلیل، ایران نمی‌تواند به حمایت مداوم این دو کشور متکی باشد. اگرچه تجدیدنظر طلبی چین و روسیه و تقابل آن‌ها با نظم لیبرال آمریکا به‌سود این کشور خواهد بود و ایران می‌تواند در جهت تحقق راهبرد بازدارندگی فعال خود از ظرفیت‌های پکن و مسکو استفاده کند. این فرض نیز اشتباه است که ایران به‌دلیل تجدیدنظر طلبی مشابه با چین و روسیه می‌تواند با این دو کشور در ائتلافی راهبردی قرار گیرد. نوری (۱۳۹۸) در مقاله دیگری با عنوان «ایران، روسیه و همگرایی اوراسیایی، منافع منطقه‌گرایی فعل» با نگاهی آینده‌پژوهانه، ابعاد و منافع مشارکت ایران در همگرایی اوراسیایی در تعامل با روسیه و همچنین تحلیل روابط این دو کشور در این منطقه را بررسی می‌کند. از نظر او مشارکت ایران در همگرایی اوراسیایی با رضایت روسیه، در برگیرنده منافع چندبعدی بسیاری برای این کشور است. او همچنین منافع عینی و ظرفیت‌های ایران و روسیه و موانع و فوصلت‌های پیش روی دو کشور در فرایند منطقه‌گرایی اوراسیایی را بررسی می‌کند. از نظر نوری در وضعیت کنونی، همگرایی همه‌جانبه اوراسیایی میان این دو کشور امکان‌پذیر نیست، اما دو کشور می‌توانند به تدریج و به‌وسیله مشارکت هرچه بیشتر در ساختارهای منطقه‌ای این حوزه، نسبت به دفع تهدیدها و تأمین بهینه‌تر منافع خود گام بردارند.

حسین‌زاده (۱۴۰۰) در مقاله «جایگاه گاز طبیعی در دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه: ظرفیت‌ها و موانع»، از دیدگاهی به‌طور کامل اقتصادی و انرژی محور روابط ایران و روسیه را تحلیل و دیپلماسی انرژی در این دو کشور را با توجه به اسناد بالادستی و اقدام‌های عملی آن‌ها مقایسه می‌کند. از نظر او از آنجا که جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در شمار بزرگ‌ترین دارندگان منابع گازی جهان هستند و بازارهای هدف آن‌ها نیز تا حدود زیادی مشترک است، دو کشور در عمل در موقعیت رقابت در عرصه تجارت این حامل انرژی قرار دارند، اما ایران در حوزه دیپلماسی گاز دست‌کم در کوتاه‌مدت توان رقابت با روسیه را در عرصه بین‌المللی ندارد. بنابراین ایران برخلاف روسیه نتوانسته است از گاز طبیعی به صورت کارآمد در دیپلماسی انرژی خود بهره‌برداری کند و آن را به ابراری برای پیشبرد هدف‌های سیاست خارجی خود تبدیل کند. غنی و اصغریان (۱۴۰۰) در مقاله «مانع‌های شکل‌گیری ائتلاف راهبردی جمهوری اسلامی ایران و روسیه؛ مطالعه موردی ائتلاف ایران و روسیه در بحران سوریه» این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا ائتلاف ایران و روسیه در بحران سوریه می‌تواند منجر به ائتلافی دیگر در سطح منطقه و حوزه‌های دیگری نیز شود یا خیر؟ به بیان آن‌ها بررسی هدف‌های سیاست خارجی دو کشور در شرایط کنونی نشان

می‌دهد که برای دستیابی به چنین هدفی به سطح بالاتری از تجمعی منافع و همگرایی دو کشور نیاز است. اگرچه تهدیدهای خارجی مشترک علیه منافع منطقه‌ای تهران و مسکو به شکل‌گیری ائتلافی در بحران سوریه منجر شده است، برای اینکه این ائتلاف به شکل راهبردی در حوزه‌های دیگر هم تسری یابد، دو کشور باید منافع مشترک بیشتری با یکدیگر داشته باشند. بنابراین با شرایط کنونی، چنین امری میسر نیست و برای تعمیق همکاری‌ها باید تغییرهایی ایجاد شود.

رومی (۱۳۹۹) در مقاله «بازشناسی جایگاه روسیه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» این پرسش را مطرح می‌کند که کدام پندارها و مؤلفه‌ها به جایگاه روسیه در سیاست خارجی ایران تعین یا قوام بخشیده‌اند؟ و آیا جایگاه روسیه در سیاست خارجی ایران دچار تغییر و تحول شده است و یا خیر؟ از نظر نویسنده در جایابی روسیه در سیاست خارجی ایران عواملی چون ساخت قدرت در نظام بین‌الملل، ساخت درونی نظام سیاسی ایران و همچنین ادراک تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران نقش بسیار مهمی در طول تاریخ داشته است. بنابراین اهمیت روسیه در سیاست خارجی ایران در دوره‌های مختلف یکسان بوده است، اگرچه در سوی مقابله‌گاهی بنا به مشکلات بیرونی و تحول در سیاست خارجی دولت روسیه، روابط این کشور با ایران دچار نوسان و تنش بوده است.

به‌طور کلی، بررسی مهم‌ترین ادبیات موجود در ارتباط با روابط ایران و روسیه نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از این آثار، چرایی گرایش ایران به روسیه را از چشم‌اندازی نظری در مورد اتحاد و ائتلاف بررسی نکرده‌اند. چشم‌انداز نظری که بتواند از یک سو علت‌ها، انگیزه‌ها و نتایج این سیاست نزدیکی و از سوی دیگر، بررسی شرایطی را که بنابر آن این سیاست بتواند تغییر کند، به‌خوبی تبیین کند.

چارچوب نظری: نظریه موازنۀ تهدید و نظریه سیاست دنباله‌روی

نظریه موازنۀ تهدید را اولین بار استفن والت در مقاله «اتحادها و موازنۀ قدرت جهانی» در مجله امنیت بین‌الملل در سال ۱۹۸۵ و سپس در کتاب «ریشه‌های اتحاد»^۱ در سال ۱۹۸۷ گسترش داد. والت در این کتاب با مطرح کردن این پرسش که اتحادها چگونه در طول تاریخ ایجاد می‌شوند؟ نظریه‌های منشأ اتحادهای بین‌المللی را بررسی کرد. او نظریه «موازنۀ تهدید» خود را به عنوان اصلی‌ترین عامل شکل‌دهنده به اتحادها در طول تاریخ بیان می‌کند. از نظر والت واردشدن به یک اتحاد به دو منظور است: توازن علیه تهدیدگر منطقه‌ای یا جهانی، یا اتحاد با منبع تهدید (سیاست دنباله‌روی). وی اتحاد را توافق و تهدید رسمی یا غیررسمی میان دو یا چندین دولت در جهت همکاری‌های امنیتی با هدف افزایش قدرت، امنیت اعضاء و

1. The Origins of Alliances

بازداشت‌نمودن تهدیدگر می‌داند. بنابراین اتحادها نقش مهمی در تصمیم‌های سیاست خارجی دارند و یکی از ویژگی‌های مهم سیاست بین‌الملل هستند (Walt 1987: 3-4).

نظریه «موازنۀ تهدید» را می‌توان در شمار نظریه‌های نوواقع گرایی شکل‌گیری اتحاد دولت‌ها، نظریه موازنۀ قدرت والت، روایت مرشایر از موازنۀ قدرت و روایت شویلر از موازنۀ منافع قرارداد. این نظریه با جدایکردن عامل قدرت از تهدید، مرکز نگرانی‌های دولت‌ها را تهدید می‌داند و نه قدرت، و بیان می‌کند موازنۀ فقط در برابر افزایش قدرت دولت‌های دیگر ایجاد نمی‌شود، بلکه اقدام‌های موازنۀ گرایانه دولت‌ها در برابر دولت‌هایی است که موجب درک از تهدید شده‌اند. زیرا قدرت مفهومی بی‌طرف است و آنچه مهم است پیامدهای قدرت است که می‌تواند مخرب یا خیرخواهانه باشد (Walt 1997: 933). بنابراین در نظریه والت قدرت یکی از مؤلفه‌های ایجاد تهدید است و نه همه آن. از نظر والت با استفاده از این نظریه می‌توان به بسیاری از پرسش‌ها در مورد کاربست تصمیم‌های ویژه سیاست خارجی دولت‌ها در دوره‌های تاریخی مختلف پاسخ داد. برای نمونه، اینکه چرا گاهی کشورهایی که به آسانی با یکدیگر کنار نمی‌آیند، می‌توانند در زمان‌های ویژه و برای روبه‌روشدن با تهدید مشترک، به سرعت با یکدیگر اتحادهای قوی ایجاد کنند. در نظریه موازنۀ تهدید، عوامل ایجاد‌کننده تهدید عبارت‌اند از:

قدرت یا توان کلی^۱ که شامل جمیعت، توان صنعتی و نظامی و توان فناورانه است. از نظر والت در شرایط مساوی، دولتی که توان کلی بیشتری دارد، تهدید بیشتری برای دیگران می‌تواند ایجاد کند.

مجاورت جغرافیایی:^۲ از نظر والت در فاصله‌های جغرافیایی کم، درک از تهدید بیشتری ایجاد می‌شود. به بیانی دیگر، توانایی نمایش قدرت با بعد مسافت کاهش می‌یابد. قدرت تهاجمی^۳ به معنای توانایی تهدید حاکمیت یا یکپارچگی سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است (تمایز والت میان قدرت تدافعی و تهاجمی).

هدف‌های تهاجمی:^۴ از نظر والт تجربه تاریخی نشان می‌دهد که در رفتار موازنۀ گرایانه دولت‌ها هدف‌های تهاجمی بسیار مهم است (Walt 1987: 24).

پیش‌فرض‌های اصلی نظریه موازنۀ تهدید والت عبارت‌اند از: اصل سازمان‌دهنده نظام بین‌الملل: آنارشی، پویایی سیستم: خودیاری، انگیزه نهایی دولت‌ها: بقا، جهت‌گیری رفتاری دولت‌ها: افزایش امنیت و این افزایش امنیت با مهار تهدید و دولت ایجاد‌کننده تهدید است

1. Aggregate Power

2. Geographical Proximity

3. Offensive Power

4. Aggressive Intentions

(Harknett 2012: 514). از سوی دیگر، درنظر گرفتن عامل هدف‌ها و گرایش‌های دولت‌ها^۱ والت را از ساختارگرایی نوواعق‌گرایی دور می‌کند، ساختارگرایی که بر این باور است که جایگاه دولت در ساختار قدرت نظام بین‌الملل هویت، انگیزه و رفتار وی را جهت می‌دهد. به بیانی، تأکید بر اینکه دولت‌ها چه دارند و نه آنکه چه می‌خواهند، این در حالی است که والت به هر دوی این عوامل توجه دارد: دولت‌ها چه دارند، دولت‌ها چه می‌خواهند و دولت‌ها چه چیزی را درک می‌کنند؟ (Harknett, 2012).

به موازات نظریه موازنۀ تهدید والت که در جهت تبیین اتحادهای میان دولت‌ها ارائه شده است، شویلر نیز از دیدگاهی متفاوت، مهم‌ترین دلایل اتحاد دولت‌ها با یکدیگر را بررسی کرده است. او مفهوم سیاست یا راهبرد دنباله‌روی را ارائه می‌دهد. سیاست دنباله‌روی به معنای سیاست همراهی یک کشور با کشور قوی‌تر است که در ادبیات روابط بین‌الملل دو نوع روایت بر جسته دارد: روایت والتی و روایت شویلری. والت سیاست دنباله‌روی را قالب همراهی با دولت تهدیدگر و درامان‌ماندن از خطر وی می‌داند. از نظر والت، دولت‌ها تنها در شرایط خاصی سیاست همراهی با دولت تهدیدگر را دنبال می‌کنند: اگر مقاومت را بیهوده بدانند یا متلاعده شوند که تهدید به وسیله سازش منحرف یا کم‌رنگ می‌شود (Walt, 2009: 89). بنابر این تعریف، نمی‌توان سیاست نزدیکی ایران به روسیه را در این قالب جای داد، زیرا نه ایران دولت ضعیفی است و نه روسیه برای این کشور به عنوان منبع تهدید و خطر است. بنابراین در این نوشتار روایت شویلر را از سیاست دنباله‌روی موردنظر قرار می‌دهیم.

از نظر شویلر رفتار «دنباله‌روی» مانند رفتار «موازنۀ»، هدف و انگیزه بدست آوردن امنیت ندارد، بلکه هدف، «موازنۀ» حفظ خود و حفظ ارزش‌هایی است که پیش‌تر به دست آمده است، در حالی که هدف «دنباله‌روی»، توسعه خود و افزایش قدرت با به دست آوردن ارزش‌های مورد علاقه است. به بیان دیگر، «موازنۀ» برای پرهیز از باخت و ازدست‌دادن و «دنباله‌روی» به دنبال فرصتی برای به دست آوردن است (Schweller, 1994: 74). از نظر او انتخاب‌های مربوط به اتحادها گاهی در جهت به دست آوردن فرصت‌هایی برای دستاوردهای بیشتر است تا رهایی از خطر و نظریه توازن تهدید فقط اتحادهایی را مدنظر قرار داده است که هدفشان امنیت است. بنابراین این نظریه اتحادهای در پی به دست آوردن سود (دنباله‌روی اتحادی برای به دست آوردن سود و سهیم‌شدن در پیروزی‌هاست تا ترس از تهدید به مجازات) را کنار گذاشته است. از نظر شویلر، هم والت و هم والت مفاهیم «موازنۀ» و «دنباله‌روی» را در برابر و در تضاد با هم تعریف کرده‌اند. از نظر والت، «موازنۀ» همراهی و اتحاد با دیگران در برابر تهدید و «دنباله‌روی» اتحاد با منبع خطر است (Walt, 1986: 4). بنابراین از دیدگاه والت «دنباله‌روی» معادله‌ای نابرابر است که دولت آسیب‌پذیر نقش تابع را برای خود تعریف می‌کند، در حالی که شویلر بر این

1. Intentions emphasis

باور است، گاهی «دنبالروی» با دولتی است که تهدید درک نمی‌شود و منبع خطر محسوب نمی‌شود (Schweller 1994: 84).

ماهیت روابط ایران و روسيه و شاخص‌های همکاری دو کشور

اولین مسئله‌ای که باید به آن پردازیم، ماهیت روابط ایران و روسيه است. برای شناخت دقیق این ماهیت باید دو سطح از تحلیل را از یکدیگر جدا کنیم: در یک سطح باید نگاه روسيه به ایران را تحلیل کنیم و در سطح دیگر، نگاه ایران به این کشور. در سطح اول با بررسی استناد امنیت ملی روسيه قابل توجه است که ایران برای روسيه به عنوان یک «متحد امنیتی» و همچنین «شريك راهبردی»، مانند چین و هند در نظر گرفته نمی‌شود. همان‌گونه که در پیشینه پژوهش گفتیم، رسولی ثانی آبادی و ابراهیمی در مقاله «چگونگی بازنمایی دیگری در استناد امنیت ملی روسيه» با تحلیل استناد امنیتی این کشور بر این مسئله را تأیید کرده‌اند (Rasooli Saniabadi and Ebrahimi, 2020).

اتحاد به معنای توافق رسمی دولت‌های مستقل برای همکاری‌های نظامی است که در قالب پیمان‌های مشخص شکل مدون پیدا می‌کند و شامل تعهد متقابل دولت‌ها برای هماهنگ‌سازی اقدامشان در صورت بروز درگیری نظامی ضمن حفظ حاکمیتشان در مقام یک دولت مستقل است (Griffiths, 2013:11). اولین تعریف از اتحاد، مربوط به مورگتا، نظریه‌پرداز واقع گرایی در روابط بین‌الملل است که اتحاد را شکل ویژه‌ای از همکاری‌های بین‌المللی می‌داند که با موافقت‌نامه‌ای مكتوب و رسمي میان دو یا چند دولت برای مدت معینی با هدف پیشبرد منافعشان، بهویژه در ارتباط با موضوع‌های امنیت ملی ایجاد شده است (Morgenthau, 1948: 309). برگزمن معتقد است، اتحاد توافقی روش میان کشورها در حوزه امنیت ملی است که در آن دو طرف به طور متقابل می‌پذیرند که سهم قابل توجهی از منابع خود را به مسئله‌ای اختصاص دهند که ممکن است در آینده رخ دهد (Bergsman, 2001: 25).

اتحاد همچنین شکل ویژه‌ای از همکاری‌های سیاسی و بین‌المللی است که از مفهوم ائتلاف و صفت‌بندی جدا است. ائتلاف به همبستگی موقت چند دولت برای کوشش مشترک در راه هدف موقت گفته می‌شود (Aghabakhshi, 2003: 105). در ائتلاف، کشورها در همه حوزه‌ها و مسائل با یکدیگر اتفاق نظر ندارند (Krause and Singer, 2001: 13). صفت‌بندی نیز از نظر اسنایدر زمانی اتفاق می‌افتد که دولت‌ها سیاست‌های خود را به سوی همکاری نزدیک با دولت‌های دیگر برای دستیابی به هدف‌های امنیتی متقابل هدایت می‌کنند (Snyder, 1990: 105).

با توجه به آنچه گفتیم و با توجه به استناد امنیت ملی روسيه، می‌توان این‌گونه بیان کرد که ایران برای روسيه همکار مهمی در برخی از حوزه‌ها و مسائل منطقه‌ای محسوب می‌شود

گزینشی با این کشور در قالب ائتلاف موقت یا صفت‌بندی است. شایان توجه اینکه برای ایران، روسیه فراتر از یک همکار منطقه‌ای به شمار می‌آید. مقام‌های تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی ایران، همواره ضمن تلاش برای هماهنگ‌کردن مواضع خود با مواضع روسیه چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح بین‌الملل، خواستار نزدیکی هرچه بیشتر با این کشور و اتحاد با آن بوده‌اند. می‌توان با بیان مواردی در سطح «کنش‌های گفتاری» و «همچنین اقدام‌های عملی» مقام‌های ایران این ادعا را ثابت کرد.

در سطح کنش‌های گفتاری رهبر جمهوری اسلامی ایران، به عنوان بالاترین مقام تصمیم‌گیرنده در این کشور در دیدار رسمی با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه با تأکید بر ضرورت عملیاتی‌شدن تفاهم‌ها و قراردادهای بین دو کشور، هوشیاری در مقابل سیاست‌های فربیکارانه غرب را لازم دانسته و گفت همکاری‌های بلندمدت ایران و روسیه به سود هر دو کشور است. رهبر ایران همچنین با تأکید بر اینکه رخدادهای جهانی نشان‌دهنده نیاز ایران و روسیه به همکاری‌های روزافرون و متقابل است، بر عملیاتی‌شدن و پیگیری کردن تفاهم‌ها و قراردادهای متعدد دو کشور از جمله در بخش نفت و گاز تأکید کرد. وی همچنین همکاری‌های اقتصادی ایران و روسیه را به‌ویژه در پی تحریم‌های غرب، ضروری و به سود هر دو کشور دانست. در این دیدار، رهبری ایران همچنین به صورت آشکار حمله روسیه به اوکراین را تأیید کرد و گفت: «جنگ مقوله‌ای خشن و سخت است و جمهوری اسلامی از اینکه مردم عادی دچار آن شوند به هیچ‌وجه خرسند نمی‌شود، اما در مسئله اوکراین، چنانچه شما ابتکار عمل را به دست نمی‌گرفتید، طرف مقابل با ابتکار خود، موجب ایجاد جنگ می‌شد» (The Meeting of the President of Russia with the Leader of the Revolution, 2022).

در سطح اقدام‌های عملی نیز دستگاه سیاست خارجی دولت ایران در سال‌های اخیر تلاش کرده است اقدام‌ها و سیاست‌های خود را به‌ویژه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با توجه به منافع و ملاحظات راهبردی روسیه طراحی کند (Roomi, 2020: 590). نمونه‌های این ملاحظه و حمایت در جهت‌گیری‌های ایران در بحران قره‌باغ، جنگ داخلی تاجیکستان، دخالت‌نکردن در مسائل چمن، حمایت از اتحاد شمال در برابر طالبان دیده می‌شود (Noori, 2019: 240). همکاری نظامی ایران و روسیه در سوریه نیز در سال‌های اخیر شاید از محدود نمونه‌های موفق ائتلاف‌سازی با این کشور در سطح منطقه باشد.

بررسی سیاست جمهوری اسلامی ایران در برابر روسیه در قالب ایجاد موازنۀ تهدید بنابر مفروض‌های اصلی نظریۀ موازنۀ تهدید، می‌توان بر اساس مدل جدول ۱ چراشی گراش ایران به اتحاد با روسیه را تحلیل و فهم کرد.

جدول ۱: تحلیل چرایی گرایش ایران به اتحاد با رویه بر اساس

مفهوم‌های موازنۀ تهدید والت

<p>از چهار متغير ایجادکننده درک از تهدید رویه سه متغیر مادی قدرت کلی، توانمندی تهاجمی و مجاورت جغرافیایی را دارد، اما چون از سوی رهبران و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران به عنوان یک دولت بدون هدف‌های تهاجمی درک می‌شود، به عنوان تهدید درک نمی‌شود.</p>	<p>بررسی نقش متغیرهای چهارگانه ایجادکننده درک از تهدید</p>
<p>بر اساس این مفروض، ایران به عنوان بازیگری امنیت‌جو که از آمریکا درک از تهدید دارد، برای مهار تهدید این کشور که با گسترش ناتو یا ایجاد پایگاه‌های نظامی اطراف ایران است، به اتحاد امنیتی با رویه گرایش می‌یابد. بنابراین در گرایش به اتحاد با رویه عوامل هویتی و انگاره‌ای مشترک و حتی منافع اقتصادی هیچ نقشی ندارند.</p>	<p>درنظرگرفتن اتحاد به عنوان توافقی رسمی یا غیررسمی برای افزایش امنیت و بازداشت‌تهدیدگر</p>
<p>بر اساس نظریه توازن قدرت والتز، دولت ایران باید به دلیل نبود تعادل قدرت میان خود و همسایه شمالی، به مقابله و موازنۀ با این کشور برآید، اما بر اساس مفروض نظریه موازنۀ تهدید، دولت ایران به دلیل نداشتند درک از تهدید قدرت نامتعادل رویه به اتحاد با این کشور در برابر قدرت تهدیدگر آمریکا گرایش می‌یابد.</p>	<p>جادکدن عامل قدرت از تهدید و درنظرگرفتن اقدام‌های موازنۀ گرایانه دولتها در برابر دولتهای تهدیدگر</p>
<p>بنابر این مفروض ایران فقط به دنبال پیوندهای امنیتی با رویه است و پیوندهای اقتصادی و به دست آوردن سود در سیاست نزدیکی ایران جایگاهی نداشته یا در اولویت اول نیست.</p>	<p>درنظرگرفتن بازیگران به عنوان بازیگران امنیت جو</p>

Source: Author

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها میان نظریه موازنۀ قدرت و نظریه موازنۀ تهدید در مورد تشکیل اتحاد و ائتلاف آن است که در نظریه موازنۀ قدرت، علت‌ها ساختاری و در نظریه توازن تهدید، هم علت‌های ساختاری و هم علت‌های سطح واحد مهم می‌شوند. در تبیین‌های نظاممند از جمله نظریه موازنۀ قدرت مهم‌ترین عامل در اتحاد و ائتلاف، جایگاه نسبی دولت در ساختار قدرت نظام بین‌الملل است. در این نظریه دولتها به دو دلیل به موازنۀ قدرت روى می‌آورند: اتحاد در برابر دولت قوی‌تر و پیوستن به طرف ضعیفتر و به این وسیله دولتها تأثیرهای خود را در این مجموعه افزایش می‌دهند. بنابراین از نظر والتز، دولتهای درجه دوم به سوی دولتهای ضعیفتر گرایش دارند، زیرا در میان آن‌ها مورد تمجید قرار می‌گیرند و امن‌تر هستند (Waltz 1979: 127). در این نظریه، دولتها هدف‌های شان را به‌واسطه میزان

قدرت دولت‌های دیگر تعریف می‌کنند و به افزایش قدرت خود تا جایی می‌پردازند که با قدرت دولت قوی‌تر در حالت توازن و تعادل درآید؛ جدا از اینکه آیا آن دولت تهاجمی عمل می‌کند یا خیر؟ در حالی که نظریه موازنۀ تهدید می‌تواند انتخاب اتحادها برای دولت‌ها را زمانی که دو طرف مورد اتحاد از نظر قدرت برابر هستند توضیح دهد. بنابراین برخلاف نظریه والتر که موازنۀ ناشی از شرایط ساختاری و به صورت خودکار و مکانیکی است، برای والت موازنۀ فرایندی لحظه‌ای و اتوماتیک نیست، بلکه نوعی رفتار سیاست خارجی دولت‌ها در واکنش به تهدید است، رفتار سیاست خارجی که در شکل‌گیری اتحادها بروز می‌کند (موازنۀ خارجی) (Walt, 1992: 449).

جدول ۲: عوامل پایان‌دهنده به گرایش ایران به اتحاد با روسیه بر اساس مفروض‌های والت

بر اساس این مفروض، اگر ایران نسبت به روسیه به هر دلیل ذهنی یا عینی دارای درک از تهدید شود، گرایش به اتحاد از میان خواهد رفت.	تغییر در ادراک از تهدید به دلیل تغییر در توازن قدرت
بر اساس این مفروض، اگر برداشت ایران به هر دلیل ذهنی یا عینی از آمریکا دیگر به عنوان عامل تهدیدگر نباشد و هدف‌های این کشور را تهاجمی درک نکند، گرایش به اتحاد با روسیه میان خواهد رفت.	در برداشت‌های دو طرف اتحاد، نسبت به هدف‌های طرف خارج از اتحاد تغییر ایجاد شود.
در این سناریو اگر توانمندی‌های نظامی و امنیتی ایران به شکل چشمگیری رشد کند، این کشور به این نتیجه می‌رسد که دیگر نیازی به اتحاد با روسیه نیست و خود به تنها می‌تواند با تهدید روبه‌رو کند. (Walt, 1997: 160)	تهدید وجود دارد، اما توانایی هر یک از دو طرف اتحاد به شکل چشمگیری رشد پیدا می‌کند
این به معنای تردید تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران در مفیدبودن اتحاد با روسیه است یا به معنای تردید در میزان وفاداری این کشور در حمایت از منافع ایران	کاهش اعتبار اتحاد و کارایی و مفیدبودن آن از دیدگاه دو طرف اتحاد با وجود تهدید
مانند تغییر رژیم یا روابط‌های داخلی شامل اختلاف‌های ایدئولوژیکی داخلی بر سر گرایش اتحاد ایران با روسیه	تغییر سیاست‌های داخلی
در این سناریو فرض بر این است که آمریکا دیگر به عنوان ابرقدرت نظام بین‌الملل نباشد یا روسیه دچار افول قدرت شود.	تحویل در ساختار قدرت نظام بین‌الملل

Source: Author

بررسی سیاست جمهوری اسلامی ایران در برابر روسیه در قالب سیاست دنباله‌روی بنابر مفروض‌های اصلی نظریه شویلر در مورد راهبرد دنباله‌روی، می‌توان بر اساس مدل جدول ۳ چرایی گرایش ایران به سوی اتحاد با روسیه را تحلیل و درک کرد.

جدول ۳. تحلیل چرایی گرایش ایران بهسوی اتحاد با روئیه بر اساس مفروض‌های

سیاست دنباله‌روی شویلر

بر اساس این مفروض علت اصلی گرایش ایران به اتحاد با روئیه مهار تهدید آمریکا و حفظ امنیت نیست، بلکه علت اصلی، افزایش قدرت و توسعه کشور است؛ در واقع، اتحاد با روئیه فرصتی برای بهدست آوردن سود و نتایج است.	تمایز میان موازنہ و سیاست دنباله‌روی از نظر هدف
منافع عامل اصلی رفتار دولت‌ها در ارتباط با یکدیگر است (غلبه انگیزه سود و منفعت‌طلبی دولت‌ها)	بنابر این مفروض این منافع تعریف شده برای دولت ایران است که این کشور را بهسوی اتحاد با روئیه سوق می‌دهد (منافع سیاسی، امنیتی و اقتصادی) و نه درک از تهدید آمریکا
تقسیم دولت‌ها به دولت‌های حافظ وضع موجود و دولت‌های تجدیدنظر طلب با هدف‌های محدود و هدف‌های نامحدود	بنابر این مفروض دولت ایران به عنوان دولتی تجدیدنظر طلب سرکش و با هدف‌های نامحدود که منابع و توانایی محلودی برای تغییر نظم (تغییری انقلابی) به سود خود دارد، با دولت روئیه به عنوان دولتی تجدیدنظر طلب با هدف‌های محدود که منابع و توانمندی لازم برای تغییر وضع موجود را دارد (تغییری تدریجی) همراه می‌شود تا از توانمندی‌های این کشور در تغییر وضع موجود، سود برد و سهمی در پیروزی داشته باشد.

Source: Author

همان‌گونه که گفتیم بنابر تحلیل شویلر دولت‌ها بر اساس محاسبه سود و زیان و برآورد هزینه‌های موازنہ یا سود به دست آمده از سیاست دنباله‌روی، در بیشتر موارد به سیاست کم‌هزینه‌تر دنباله‌روی بر اساس «موازنہ منافع» روی می‌آورند تا از کنار این سیاست، منافعی نصیبیشان شود از دولتی که آن را همراهی می‌کند. بنابراین در به کار گرفتن سیاست دنباله‌روی، دو عامل بسیار مهم است: عواملی که در به کار گرفتن سیاست موازنہ تهدید اهمیتی ندارند: میزان قدرت دولتی که از آن دنباله‌روی می‌شود و میزان منافعی که می‌توان از همراهی آن دولت به دست آورد.

در مورد عامل اول باید گفت دولت روئیه به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل ابعاد مختلفی از مؤلفه‌های قدرت دارد که این دولت را به گزینه‌ای مناسب برای دنباله‌روی تبدیل می‌کند. از نظر رئوپلیتیکی روئیه به عنوان بزرگ‌ترین کشور جهان در مرکز زمین محسوب می‌شود که با شانزده همسایه اروپایی و آسیایی مرز مشترک دریایی و سرزمینی دارد. این کشور همچنین از نظر توان نظامی بنابر رتبه‌بندی سایت گلوبال فایرپاور در سال 2022 با امتیاز 501/0 در جایگاه دوم بعد از آمریکا و پیش از چین، در میان 142 کشور بررسی شده قرار گرفته است. این رتبه بر اساس محاسبه ۵۰ عامل مانند جغرافیا، توان نظامی، لجستیک برای هر کشور به دست می‌آید (Russia Military Strength, 2022).

نظر توان اقتصادی نیز بنابر رتبه‌بندی سال 2021، در جایگاه یازدهمین اقتصاد دنیا (در میان کره جنوبی و استرالیا) از نظر تولید ناخالص داخلی قرار دارد (Economy of Russia - statistics & facts, 2021). بنابراین و با توجه به این متغیرهای قدرت، دولت ایران می‌تواند از سیاست همراهی با این کشور، منافع سیاسی، امنیتی و اقتصادی به‌دست آورد. منافعی که بخشی از آن در حال حاضر تأمین شده است و بخش دیگرش نیز که بیشتر منافع اقتصادی هستند، شاید در آینده و با نزدیکی هرچه بیشتر ایران به این کشور تأمین شوند.

از نظر سیاسی مهم‌ترین سود نزدیکی ایران به روسیه به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت، استفاده از حمایت این کشور در سازمان ملل و و توکردن قطعنامه‌هایی است که در مخالفت با ایران صادر می‌شود. اگرچه از بعد از فرستادن پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت در سال 2006 توسط شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روسیه به عنوان کشوری که در میان اعضای دائم شورای امنیت، پیشینه بیشترین استفاده از حق وטו را داشته است، در حمایت از ایران تنها یک مرتبه در سال 2018، قطعنامه پیشنهادی شورای امنیت علیه ایران را در مورد نقض تحریم‌های تسلیحاتی یمن، و توکرده است. در حالی که شورای امنیت از سال 2006 تا زمان تصویب توافق هسته‌ای ایران با غرب (برجام)، یک بیانیه و شش قطعنامه علیه فعالیت‌های هسته‌ای این کشور صادر کرد که هیچ کدام نیز با وتوی روسیه رو به رو نشد (Vetoes - UN Security Council Meetings & Outcomes Tables, 2022). بنابراین یکی از مهم‌ترین دلایل چراجی نزدیکی روسیه به ایران می‌تواند جلب حمایت این کشور در مواضع سیاسی شورای امنیت علیه ایران باشد.

از دیگر آثار مثبت سیاست همراهی ایران با روسیه، می‌تواند در قالب پذیرفته شدن و مشارکت دادن این کشور در نظم اوراسیایی به رهبری روسیه و چین (امضای توافق تجارت آزاد ایران با اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیایی^۱ شامل کشورهای ارمنستان، روسیه سفید، روسیه، قزاقستان و قرقیزستان در پایان سال 2021) بررسی شود. موافقت با پذیرش ایران به عنوان نهمین عضو دائم سازمان همکاری شانگهای در سال 2023 را نیز می‌توان نمودی از تعامل و نزدیکی ایران با روسیه دانست که برای ایران می‌تواند برتری‌های مهم سیاسی، تجاری و مالی داشته باشد.

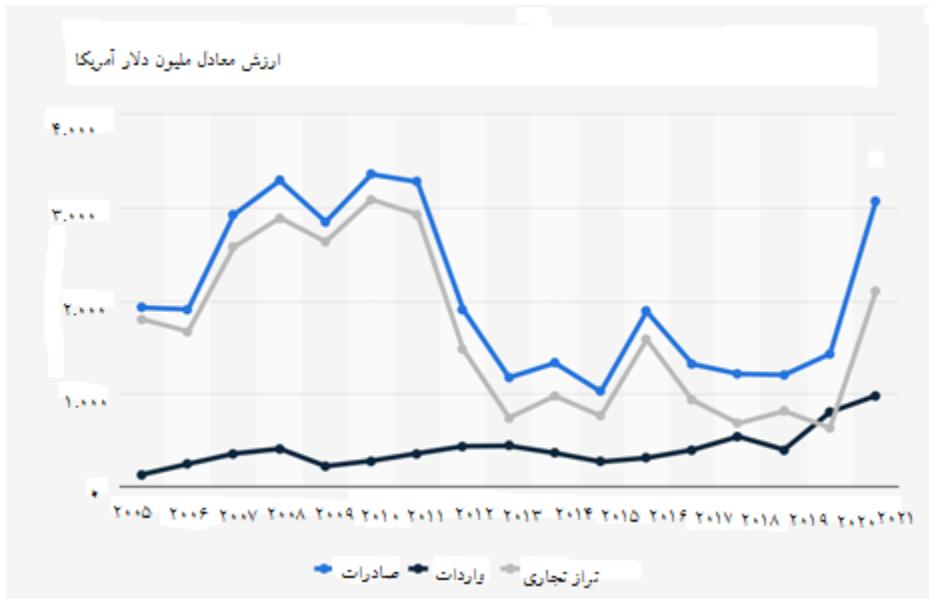
در زمینه همکاری‌های تسلیحاتی نیز گرچه مواردی از همکاری‌ها میان دو کشور مانند فروش سیستم موشکی روسیه به ایران در سال 2005 یا خرید تسلیحات ایران از روسیه مانند سامانه اس-300 یا واردکردن تانک تی-72، موشک‌های هوا به هوا وجود داشته است، اما بنابر آخرین گزارش سپیری در مارس 2022 ایران در شمار واردکنندگان اصلی سلاح به شمار نمی‌رود و جریان ورود اسلحه به این کشور بسیار اندک و پایین است. بنابر این گزارش، بر

اساس میزان صادرات تسلیحات در سال‌های 2017 تا 2021، روسيه پس از آمريکا دومین صادرکننده سلاح است و به کشورهای چون هند، چین و مصر اسلحه صادر می‌کند. بنابراین نام ايران در میان کشورهای اصلی واردکننده سلاح از روسيه دیده نمی‌شود (Trends in International arms transfers, 2021).

بنابر نظریه شویلر، يکی از دلایل نزدیکی ايران به روسيه می‌تواند تشدید پیوندهای تسلیحاتی با اين کشور باشد، زیرا واردکردن سلاح از روسيه برای ايران به چند دلیل بسیار سودآور است: نخست اینکه روسيه مانند دیگر کشورهای غربی، ايران را زیر تحریم‌های حقوق بشری یا تحریم‌های حمایت از تروریسم قرار نداده است. به همین دلیل، می‌تواند به آسانی به اiran سلاح صادر کند؛ دوم اینکه سلاح‌های روسي فروخته شده به اiran، نسبت به دیگر سلاح‌های مشابه از کشورهای دیگر بسیار ارزان‌تر هستند؛ سومین برتری مهم برای اiran این است که قوانین روسيه شرکت‌هایش را ملزم به ارائه گزارش در مورد صادرات تسلیحات نمی‌کند. در واقع تشویق محروم‌بودن گزارش‌های صدور تسلیحات، با اولویت اiran در مورد حفظ محروم‌گی اطلاعات مربوط به امنیت و دفاع به‌طور کامل هم‌خوانی دارد (Czulda, 2021).

در زمینه اقتصادي روسيه در دوران تحریم‌های اقتصادي اiran در شمار يکی از شريک‌های تجاری اiran بوده است، اما با توجه به آمار و ارقام و رصدکردن مهم‌ترین شريک‌های تجاری اين کشور می‌توان اين گونه گفت که پیوندهای تجاری و اقتصادي اين دو کشور در حال حاضر پیوندهای قوي نیست و اين حوزه يکی از حوزه‌هایی است که سياست‌گذاران اiran از نزدیکی با روسيه آن را دنبال می‌کنند. بر اساس آمار و ارقام، بزرگ‌ترین شريک تجاری روسيه در سال 2021 چين با رقم 68 ميليارد دلار بوده است (نزدیک به 14 درصد از کل صادرات روسيه) و بعد از چين کشورهای چون هلن (42 ميليارد دلار)، آلمان (29 ميليارد دلار)، تركيه و روسيه سفيد بوده‌اند (Russia's Top Trading Partners, 2021). شایان توجه اينکه در اين رتبه‌بندی اiran در شمار 30 شريک اولیه تجاری روسيه نیست. 30 کشوری که در سال 2021، نزدیک به چهارپنجم (80 درصد) از تجارت خارجي روسيه را به خود اختصاص داده‌اند. در اين رتبه‌بندی، اiran در مقام 34 شريک اقتصادي روسيه از نظر واردکردن محصولات از اين کشور است (Export value of goods from Russia, 2021). بنابر آمار و ارقام، صادرات روسيه به اiran از سال 1996 (356 ميليون دلار) تا سال 2019 (52/1 ميليارد دلار) با رشدی 6 درصدی همراه بوده است. صادرات اiran به روسيه نيز بسيار اندک و در سال 2019 معادل 562 ميليون دلار بوده است که نسبت به سال 1996 12.5 درصدی داشته است (Russia (RUS) and Iran (IRN) Trade, 2021 را می‌بینيم.

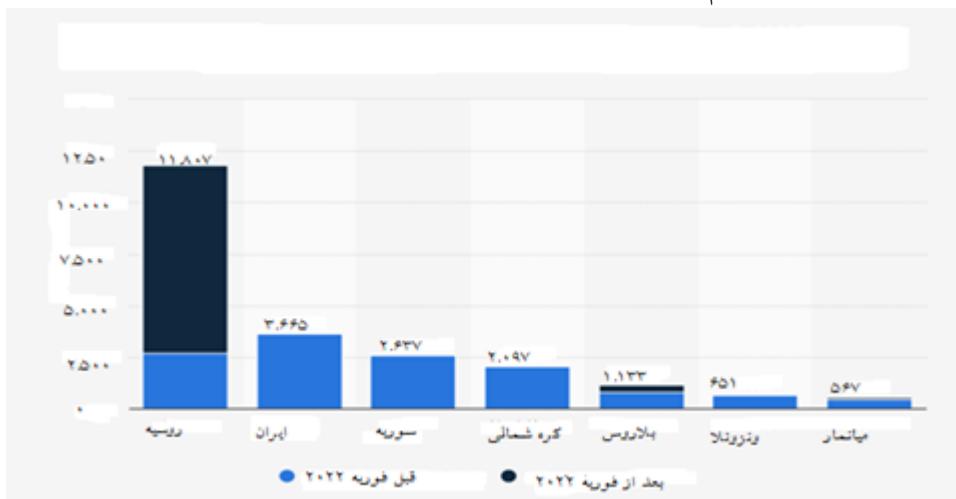
نمودار ۱: ارزش تجارت مبادلات روسیه با ایران (صادرات، واردات و توازن تجارت) در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱



Source: Russia (RUS) and Iran (IRN) Trade, 2021

یکی از مهم‌ترین مزایای سیاست همراهی ایران با روسیه از نظر اقتصادی این است که روسیه می‌تواند با ایران مبادلاتی خارج از تحریم‌های اقتصادی برقرار کند. گرچه خود این کشور نیز زیر تحریم‌های شدید بین‌المللی قرار دارد. همین مسئله موجب نزدیکی هرچه بیشتر دو کشور می‌شود. نمودار ۲ میزان تحریم‌های اقتصادی هر دو کشور را بهخوبی نشان می‌دهد. همان‌گونه در جدول می‌بینیم، ایران بعد از روسیه دومین کشوری است که زیر تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفته است.

نمودار ۲: شمار تحریم‌های بین‌المللی به کار گرفته شده جامعه جهانی برای کشورها



Source: Number of International Sanctions Imposed Worldwide by Target Country, 2022

با توجه به این داده‌ها می‌توان سیاست همراهی ایران با روسيه را بنابر سیاست دنباله‌روی شویلری، بررسی و تحلیل کرد. در این دیدگاه دولت ایران نه به عنوان کنشگری امنیتی که به دنبال بقا است، بلکه به عنوان کنشگری اقتصادی عمل می‌کند که به دنبال سود و دستاوردهای بیشتر از پیش همراهی با قدرت بزرگی چون روسيه است. در نتیجه‌گیری به تفاوت‌های تحلیلی دو دیدگاه اشاره می‌کنیم.

نتیجه

با بررسی نوع ماهیت روابط ایران و روسيه و سازگاری این روابط با تعریف‌های رسمی از اتحاد میان دولت‌ها می‌توان گفت روابط این دو کشور را نمی‌توان در قالب اتحاد به معنای توافق رسمی دولت‌های مستقل برای همکاری‌های نظامی قرار داد. در واقع، با توجه به اسناد امنیت ملی روسيه، ایران برای این کشور یک همکار مهم در برخی از حوزه‌ها و مسائل منطقه‌ای محسوب می‌شود که خواهان نوعی منطقه‌گرایی و همگرایی گزینشی با این کشور در قالب ائتلاف موقت یا صفت‌بندی است. اما نکته درخور توجه این است که برای ایران، روسيه فراتر از یک همکار منطقه‌ای است. مقام‌های تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی ایران همواره ضمن تلاش برای هماهنگ‌کردن جهت‌گیری‌های خود با روسيه، چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح بین‌المللی، خواستار نزدیکی هرچه بیشتر با این کشور و اتحاد با آن بوده‌اند.

بنابراین هدف اصلی در این پژوهش پرداختن به چراجی نزدیکی و گرایش ایران به روسيه از دیدگاه یک روایت نظری بود. در پاسخ به این پرسش که کدام یک از دیدگاه‌های نظری اتحاد و ائتلاف قدرت تبیینی مناسب‌تری برای نزدیکی ایران به روسيه دارند؟ این فرضیه را پی

گرفتیم که نظریه‌های اتحاد و ائتلاف نوواقع گرایانه روابط بین‌الملل از جمله نظریه «موازنۀ تهدید» والت و نظریه «سیاست دنباله‌روی» با روایت شویلری نسبت به دیگر نظریه‌های اقتصادمحور و هویت محور، تبیین مناسب‌تری فراهم می‌کنند. در جدول ۴، مقایسه این دو روایت نظری در مورد تبیین چرایی گرایش سیاست ایران به روسیه از سه بعد علت‌ها، انگیزه‌ها و نتایج بررسی شده است.

جدول ۴: بررسی مقایسه تحلیلی سیاست همراهی ایران با روسیه از دو دیدگاه نظری موازنۀ تهدید و سیاست دنباله‌روی با روایت شویلری

نظریه موازنۀ تهدید	نظریه سیاست دنباله‌روی
مهماً بودن تهدید آمریکا به عنوان تهدید مشترک برای هر دو کشور	اهمیت‌نداشتن تهدید مشترک دولت آمریکا
در نظر گرفتن ایران به عنوان کشگری فرصت‌طلب و سودجو امنیت‌جو	در نظر گرفتن ایران به عنوان کشگری
در نظر گرفتن اتحاد به عنوان اتحاد امنیتی در برابر دشمن مشترک	در نظر گرفتن اتحاد به عنوان اتحادی گشاده برای به دست آوردن سود
در این اتحاد میزان قدرت روسیه مهم نیست، صرف داشتن دشمن و تهدید مشترک کافی است.	در این اتحاد میزان قدرت روسیه بسیار مهم است. در واقع، قدرت روسیه موجب به کار گرفتن سیاست دنباله‌روی می‌شود.
در اتحاد درک نخبگان از عامل تهدید و هدف‌های تهاجمی دولت تهدیدگر بسیار مهم است.	در این اتحاد درک نخبگان و محاسبه سود و زیان آن‌ها از نتایج به دست آمده از سیاست همراهی بسیار مهم است.
پایان اتحاد: تغییر در درک از تهدید	پایان اتحاد: قدرت‌مند شدن دولت دنباله‌رو یا تأمین نشدن منافع مورد انتظار

Source: Author

References

- Aghabakhshi, Aliakbar (2004), **Political Science Culture**, Tehran: Chapar Publishing [in Persian].
- Czulda, Robert (2021), "Is Iran going on an arms shopping spree in Moscow?", Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iran-source/is-iran-going-on-an-arms-shopping-spree-in-moscow>, (Accessed on 2/8/2022).
- "Economy of Russia - Statistics & Facts", (2021), Available at: https://www.statista.com/topics/7835/economy-of-russia/#topicHeader_wrapper, (Accessed on 4/8/2022).
- "Export Value of Goods from Russia", (2021) Available at: <https://www.statista.com/statistics/1002015/russia-leading-export-partners>, (Accessed on 6/8/2022).

- Ghani, Parham and Abbasgholi Asgarian, (2021), "Barriers to the Formation of the Strategic Alliance between the Islamic Republic of Iran and Russia: Case Study, Iran-Russia Alliance in the Syrian Crisis", **Central Eurasia Studies**, Vol. 14, No. 1, pp. 229-249 (doi: 10.22059/jcep.2021.299709.449910) [in Persian].
- Griffiths, Martin (2013), **Encyclopedia of International Relations and Global Politics**, London: Routledge.
- Harknett, Richard (2012), "The Struggle for Autonomy: A Realist Structural Theory of International Relations", **International Studies Review**, Vol. 14, No. 4, pp. 499-521. Available at: <http://www.jstor.org/stable/41804152> (Accessed on 4/8/2022).
- Hosseinzadeh, Vahid (2021), "The Role of Natural Gas in Energy Diplomacy of the Islamic Republic of Iran and the Russian Federation: Capacities and Obstacles", **Central Eurasia Studies**, Vol. 14, No. 2, pp. 75-100 (doi: 10.22059/JCEP.2022.322674.450000) [in Persian].
- Krause, Volker and David Singer (2001) Minor Powers, Alliances, and Armed Conflict: Some Preliminary Patterns. In:
- "Major Trade Partners of Russia by Value", (2021), Available at: <https://www.statista.com/statistics/1002015/russia-leading-export-partners>, (Accessed on 6/8/2022).
- Morgenthau, Hans, J. (1948), **Politics among Nations: The Struggle for Power and Peace**, New York: Knopf.
- Noori, Alireza (2019), "Iran, Russia and Eurasian Integration; Benefits of Active Regionalism", **Central Eurasia Studies**, Vol. 12, No. 1, pp. 235-252 (doi: 10.22059/JCEP.2019.256084.449759) [in Persian].
- Noori, Alireza (2021), "The Nature of Russian and Chinese Revisionism; Iran's Policy and Interests", **Central Eurasia Studies**, Vol. 14, No. 2, pp. 371-396 (doi: 10.22059/JCEP.2021.328326.450023) [in Persian].
- "Number of International Sanctions Imposed Worldwide by Target Country", (2022), Available at: https://www.statista.com/topics/7835/economy-of-russia/#topicHeader_wrapper, (Accessed on 4/8/2022).
- Raisi, Ebrahim (2022), "Ebrahim Raisi's Speech at the 76th Session of the United Nations General Assembly", Available at: <https://www.president.ir/en/131476> (Accessed on 4/8/2022).
- Rasooli Saniabadi, Elham and Fatemeh Ebrahimi (2020), "The Study of How Russia Represent "the Others" in National Security Documents with Emphasis on Iran (2000-2018)", **Central Eurasia Studies**, Vol. 13, No. 2, pp. 465-489. (doi: 10.22059/JCEP.2020.303861.449933) [In Persian].
- Reiter, Erich and Heinz Gärtner (eds) **Small States and Alliances**. Physica, Heidelberg (doi:10.1007/978-3-662-13000-1_3).
- Roomi, Farshad (2020), "Russia's Place in Foreign Policy of Islamic Republic of Iran", **Politics Quarterly**, Vol. 50. No. 2, pp. 589-610 (doi: 10.22059/JPQ.2020.264709.1007300) [In Persian].

- "Russia (RUS) and Iran (IRN) Trade", (2021), Available at: in <https://oec.world/en/profile/bilateral-country/rus/partner/irn>, (Accessed on 4/8/2022).
- "Russia's Top Trading Partners", (2021), Available at: <https://www.worldstopexports.com/russias-top-import-partners>, (Accessed on 2/8/2022).
- "Russia Military Strength", (2022), Available at: https://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.php?country_id=russia, (Accessed on 6/8/2022).
- Schweller, Randall (1994), "Band wagoning for Profit: Bringing the Revisionist State Back In", **International Security**, Vol. 19, No. 1, pp. 72–107, (doi: 10.2307/2539149).
- Snyder, Glenn H (1990), "Alliance Theory: A Neorealist First Cut", **Journal of International Affairs**, Vol. 44, No 1, pp. 103-23, Available at: <https://www.jstor.org/stable/i24356877> (Accessed on 6/8/2022).
- "The Meeting of the President of Russia with the Leader of the Revolution", (2022) Available at: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=50657> [In Persian].
- "Trends in International Arms Transfers: SIPRI Fact Sheet", (2021), Available at: <https://www.sipri.org/taxonomy/term/297>, (Accessed on 4/8/2022).
- "Vetoes - UN Security Council Meetings & Outcomes Tables", (2022), Available at: <https://research.un.org/en/docs/sc/quick/veto> (Accessed on 1/8/2022).
- Walt, Stephen (1987), **The Origins of Alliances**. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Walt, Stephen (1997), "Why Alliances Endure or Collapse?", **Survival**, Vol. 39, No. 1, pp. 156-179. (doi:10.1080/00396339708442901).
- Walt, Stephen (1992), "Revolution and War", **World Politics**, Vol. 44, No. 3, pp. 321–368. (doi:10.2307/2010542).
- Walt, Stephen (2009), "Alliances in a Unipolar World", **World Politics**, Vol. 61, No. 1, pp. 86–120 (doi: 10.1017/S0043887109000045).
- Waltz, Kenneth (1979), **Theory of International Politics**, Long Grove, IL: Waveland Press.